

خصوصیات دانش آموزان دوره ابتدایی : ۶ تا ۱۲ سالگی 🍏 برای مطالعه 🍏

شاید برای بسیاری از افراد عادی این گونه به نظر رسد که تدریس در دوره ی ابتدایی بسیار آسان بوده و با صرف کمترین زمان ممکن می توان مطالب را به دانش آموز انتقال داد. حال آنکه افراد متخصص و معلمان محترم از این موضوع مطلع اند که تدریس در این مقطع (به شرط آموزش بهینه) بسیار دشوارتر از دیگر مقاطع تحصیلی می باشد.

دانش آموزان ابتدایی از ابتدایی ترین معلوماتی که هر معلم در مقطع ابتدایی تدریس می کند شناخت خصوصیات و ویژگی های این دانش آموزان است که به طور خلاصه به شرح زیر می باشد:

۱- خصوصیات بدنی

۲- خصوصیات اجتماعی

۳- خصوصیات عاطفی

۴- خصوصیات ذهنی

خصوصیات بدنی:

۱- کودکان این سن هنوز هم بیش از حد فعال هستند و چون برای اولین بار مجبور می شوند که بیشتر نشسته فعالیت کنند انرژی خود را به شکل عادات عصبی چون جویدن مداد - مکیدن انگشت - پیچ دادن مو و بیقراری عمومی صرف کنند.

از ایجاد موقعیتهایی که دانش آموزان را برای مدتی طولانی برسر جایشان میخکوب می کند صرف نظر کنید. احتمالا می توانید فعالیتهای پراکنده ی آنها را کاهش دهید. تنفسهای متعددی بدهید و کار تدریس را با فعالیت شاگردان توأم کنید.

۲- کودکان این دوره نیز به زمانهایی برای استراحت نیاز دارند زیرا در نتیجه ی فعالیتهای بدنی و فکری خیلی زود خسته می شوند.

بعد از فعالیتهای شدید فعالیتهای آرام را برنامه ریزی کنید.

۳- کنترل عضلات بزرگ هنوز بر عضلات کوچک برتری دارد. برای اکثر کودکان بخصوص پسرها کار کردن با مداد با اشکالاتی همراه است از دادن تکالیف زیاد در یک نوبت خوداری کنید.

۴- چشمها تا حدود هشت سالگی به انطباق کامل نمی رسد. در نتیجه همان طور که اشاره شد بیشتر کودکان این دوره در تمرکز بر اشیاء و یا نوشته های کوچک اشکالاتی دارند. غالب آنها به خاطر تحذب کم چشم احتمالا دوربین هستند.

از وادار کردن دانش آموزان به خواندن زیاد در یک نوبت خوداری کنید. مواظب علائم خستگی چشم کودکان باشید مثل مالیدن چشم ها.

– 5 بیماریهای عمومی دوران کودکی غالبا در این سن پیش می آید.

– 6 فعالیتهای بدنی کودکان این سن بیش از حد است و از کنترل بدنی بسیار خوبی برخوردارند. اطمینان قابل ملاحظه ای به مهارتهای خود دارند که اغلب باعث می شود تا خطرات ناشی از فعالیتهای جسورانه ی خود را کمتر از آنچه هست پیش بینی کنند. در کلاس سوم سوانح به حداکثر می رسد.

خصوصیات اجتماعی:

– 1 کودکان این مرحله در کزیدن دوستان خود سختگیری بیشتری می کنند. آنها احتمالا یک دوست صمیمی کم و بیش دایمی دارند و ممکن است یک دشمن نیمه دایم نیز داشته باشند

– 2 دعوای هنوز هم بسیار است و در کلمات بیشتر از تهاجم بدنی به کار می رود ولی بیشتر پسرها همچنان به مشت زدن – گلاویز شدن و هل دادن می پردازند.

– 3 کودکان سالهای آخر این دوره به بازیهای سازمان یافته در گروههای کوچک علاقه مندند ولی ممکن است به قواعد بازی بیش از حد اهمیت بدهند

– 4 رقابت کودکان افزایش می یابد و لاف زدن معمول می شود.

خصوصیات عاطفی:

– 1 کودکان این سن تدریجا از احساسات دیگران آگاه می شود. متأسفانه این باعث می شود که با انگشت گذاشتن بر نقاط حساس دیگران آنها را شدیداً بیازارند بدون اینکه تشخیص دهند که حمله ی آنها تا چه اندازه مخرب است.

– 2 دانش آموزان ابتدایی به انتقاد و تمسخر حساسند و ممکن است در پذیرفتن شکست با مشکلاتی رو به رو شوند. کودکان این سن به تشویق و توجه زیاد نیاز دارند. چون دانش آموزان معلم خود را می پرستند از انتقاد وی شدیداً ناراحت می شوند.

– 3 کودکان این دوره علاقه مندند که معلم را خشنود کنند . دوستدار کمک کردند از مسولیت لذت می برند و مایلند که تکالیف مدرسه ی خود را خوب انجام دهند.

خصوصیات ذهنی:

– 1 کودکان این دوره علاقه ی زیادی به یادگیری دارند.

یکی از نکات مثبت تدریس در دبستان وجود انگیزه های درونی کودکان است. معلم باید بداند که از این انگیزه ها چطور استفاده کند.

– 2 کودکان این مرحله حرف زدن را دوست دارند و مهارتشان در آن به مراتب بیشتر از نوشتن است.

– 3 وقتی کودکان قدرت لغات را کشف کنند از کلمات رکیک استفاده می کنند . آنها می دانند که دیگران در مقابل این طرز صحبت کردن عکس العمل نشان می دهند ولی دقیقا نمی دانند که چرا چنین است.

منبع : برگرفته از کتاب کاربرد روانشناسی در آموزش ترجمه پروین کدیور

آگاهی از فرایندهای شناختی شاگردان در سنین مختلف

از مهم ترین وظایف معلم است. زیرا فرایند رشد علایق شاگرد، میزان انگیزش، بلوغ عاطفی، سوابق اجتماعی و تجارب گذشته از عواملی هستند که همواره در روش کار معلم در کلاس اثر می گذارند. شاگردان صفات زیادی مانند راستگویی، دروغگویی، شهامت، ترس و اضطراب، پرخاشگری، تلاش و بسیاری از صفات مطلوب و نامطلوب را با خود از خانواده به درون مدرسه می آورند.

اگر معلمی تصور کند بدون شناخت شاگردان و بدون آگاهی از فرایند رشد ذهنی عاطفی و اجتماعی آنان و حتی بدون همکاری والدین می تواند در ادای وظایف آموزشی موفق باشد سخت در اشتباه است. معلم نمی تواند بدون توجه به ویژگی های شاگردان آنان را به کار کردن وادارد و به عبارت دیگر کار را بر آنان تحمیل کند زیرا فعالیت های عقلی، اخلاقی و اجتماعی شاگرد تابع اراده معلم نیست.

ساخت ذهنی، هوش و تجارب علمی شاگرد

ساخت ذهنی کودکان با بزرگسالان متفاوت است. بنابراین معلم باید برنامه و مواد آموزشی را مطابق با سطح درک و فهم شاگردان عرضه کند تا برای آنان قابل جذب باشد. یعنی برنامه درسی و نوع و مقدار تکلیف باید بر اساس مراحل رشد ذهنی و توانایی های مختلف شاگردان پی ریزی شود. زیرا هر برنامه درسی برای همه سنین به یک اندازه مناسب نیست. معلم باید توجه داشته باشد که سیر تکوینی مراحل رشد از لحاظ سن و محتوای تفکر یک بار برای همیشه و به طور ثابت تعیین نشده است.

بنابراین او می تواند به مدد روش های سالم، بازده کار دانش آموزان را افزایش دهد حتی رشد معنوی آنان را بی آنکه به استحکام آن لطمه ای بزند تسریع کند. معلم باید به دانش آموز فرصت دهد تا او دانش خود را خود بسازد. کودکان بیشتر از آنکه به روش آموزش مستقیم نیازمند باشد به فرصت های یادگیری مستقیم محتاجند. بنابراین بهتر است که معلمان تا حد امکان از آموزش و انتقال مستقیم بکاهند و به فراهم آوردن فرصت های یادگیری و ترتیب دادن مواد آموزشی برای ایجاد موقعیت مطلوب یادگیری اقدام کنند.

موقعیت اجتماعی شاگرد

شاگردان در فرایند اجتماعی شدن، نیازمند الگوی سالم هستند تا بتوانند ساخت مطلوب شدن را در خود بیافرینند. والدین و معلمان نخستین الگوهای موثر در تشکیل شخصیت به شمار می‌روند. مثلاً وجهه‌ای که معلم در نظر شاگرد دارد، سبب می‌شود که شاگرد اظهارات وی را بپذیرد و این پذیرش او را از تفکر باز می‌دارد.

این عمل، ایمان مبتنی بر اقتدار دیگران را جانشین اعتقاد فردی شاگرد می‌سازد و اجازه نمی‌دهد که در راه تفکر و گفت و شنود که موجود عقل است گام بردارد. در فرایند آموزش، همکاری متقابل شاگردان به اندازه عمل بزرگسالان اهمیت دارد. این همکاری، از لحاظ عملی، بهتر از هر امر دیگری می‌تواند مبادله واقعی اندیشه را تسهیل کند و شاگردانی با ذهن‌های نقاد و تفکر منطقی پرورش دهد.

برنامه درسی متکی بر رشد همه جانبه شاگرد

• هدف آموزش و پرورش رفع نیازهای آنی و آتی شاگرد و جامعه است.

• برنامه بر حسب منطقه و نوع مدرسه و توانایی شاگردان تنظیم می‌شود.

• محتوای برنامه به فعالیت‌های فردی و گروهی شاگردان بستگی دارد و معلم همواره نقش راهنما را بر عهده دارد.

• یادگیری مواد درسی پیوسته و همواره با کشف و حل مسئله است.

• معلمان در اجرای برنامه و انتخاب مواد درسی آزادی عمل و اختیارات بیشتری دارند.

• نتیجه فعالیت‌های آموزشی به صورت ارضا حس نیاز به یادگیری و کمک به رشد متعادل شخصیت شاگردان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

• تنظیم و پیشرفت برنامه‌های آموزشی امری مداوم و پی‌گیری است.

در چنین نظامی علایق توانایی‌ها و نیازهای شاگردان محور فعالیت‌های آموزشی قرار می‌گیرد. معلم ابتکار و خلاقیت بیشتری در امر تدریس از خود نشان می‌دهد. یادگیری به محفوظات ختم نمی‌شود، بلکه پرورش تفکر و رشد همه جانبه شاگرد مورد توجه واقع می‌شود.

مدرسه با زندگی واقعی شاگردان ارتباط نزدیک دارد و شاگردان از بودن در مدرسه و فعالیت‌های آن احساس لذت می‌کنند. در چنین نظامی، برنامه به مجموعه کوشش‌های آموزشی، طبق نقشه و طرحی که شاگرد خود در تنظیم آن سهیم بوده و موقعیت‌هایی که برای همکاری شاگردان با یکدیگر ایجاد شده است، اطلاق می‌شود.

آیا فرزندان در مدرسه مناسب خودش تحصیل می‌کند؟

تاثیر فضا و تجهیزات آموزشی در فرایند تدریس

معلم خوب در شرایط محدود نیز می‌تواند موثر واقع شود. اما شکی نیست که فضا و تجهیزات آموزشی مناسب در کیفیت تدریس معلم بسیار موثر است. کثرت شاگردان، نداشتن میز و نیمکت، کیفیت نامطلوب تخته کچی، عدم نور کافی، کلاس‌های سرد و تاریک با پنجره‌های مشرف به خیابان، می‌تواند به معلم در فرایند آموزشی و اتخاذ روش مناسب تدریس کمک کند.

تاثیر برنامه و ساختار نظام آموزشی در فرایند تدریس

ساخت نظام آموزشی هر جامعه اعم از نگرش‌ها و باورها، برنامه و آیین‌ها می‌تواند روش تدریس معلم را تحت تاثیر قرار دهد. آیین‌نامه‌های خشک و انعطاف ناپذیر، تصمیم‌گیری‌های غیر تخصصی پشت درهای بسته، توجه یا عدم توجه به نظام آموزشی به نیازهای شاگردان و جامعه، عدم نظارت و کنترل و ارزشیابی‌های اصولی و غیر اصولی همه و همه می‌توانند فعالیت مدرسه از جمله تدریس معلم را تحت تاثیر قرار دهند.

در بررسی ساختار نظام آموزشی از نظر برنامه و چگونگی اجرا دو نظام کاملاً متمایز می‌توان تشخیص داد: برنامه متکی بر اصالت مواد درسی و برنامه متکی بر رشد همه جانبه شاگرد.

آینده بحث

تدریس معلم باید بر اساس نیاز، علاقه و توانمندی‌های ذهنی شاگردان تنظیم شود البته این بدان معنی نیست که شاگردان هر چه دلشان خواست می‌توانند انجام بدهند، بلکه بدان معناست که فعالیت و کار مدرسه باید مورد علاقه و دلخواه شاگرد باشد. آنان باید خود شخصاً عامل باشند نه این که اعمال و وظایف از طرف معلم بر آن‌ها تحمیل شود. معلمان با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، اخلاقی و ذهنی دانش‌آموزان بهتر در مسیر آموزش و پرورش دانش‌آموزان عمل کنند.

همچنین آموزش و پرورش هر کشور باید به اندازه کافی فضا و تجهیزات آموزشی در اختیار مدارس قرار دهد تا معلمان با خیالی آسوده به جنبه‌های مختلف آموزشی بپردازند و دانش‌آموزان در یادگیری‌های خود احساس رغبت کنند. همچنین باید نظام آموزش و پرورش هر کشور برنامه ساختی معین داشته باشد تا از سردرگمی در حیطه فعالیت‌های آموزشی و یادگیری جلوگیری شود.

منبع: رشد